

یاد بودی از روز مادر ! گوینده بلقیس « مل »

در کلام نام مادر گرمی باد !
روز مادر را به تمام مادران جهان بخصوص مادران رنج دیده و بلا کشیده ای سر زمین
افغان ستان مبارکباد میگویم .

مادر :

قدر دانی تو در یک کلام و چند جمله ختم نمیشود ؛ مهر تو مقدس ترین محبت ها ست
تو باور منی ؛ تو سرور منی پس تو روح و روان منی .
همه میدانند که مادران امروزه میهن ما چی صحنه های پُر آشوب و درد انگیزی بود
که ندیده اند ؛ البته مانند اشک ، نه ریخته اند ؛ شاید زیاد گریسته باشند .

گویند : در یکی از حوادث شوم و ننگین و ناگوار و ماتم زده ، مادری روی پسر
جوانش را که در اثر انفجار مدهش « شهید » گردیده بود بوسید و گفت :

« **بچیم شهادت ات مبارک** »

گفتار خونچکان این مادر داغ دیده آسمان را به گریه می آرد و دل سنگ آب میگردد .

آیا این سوک فراموش ما میشود چطور ؟

مادر دعایم اینست که دگر چنین تلخابه ای را نه چشی .

عاطفه ای مادری را به چشم قدر نگرید .

در گذشته و حال چنین حوادث مرگبار چنگال های خونین اش را در اعماق زندگی
مادران افغان فرو برده است .

مادری که جگر گوشه اش را در اثر ظلم ظالمان از دست میدهد زندگیش ناقص میگردد
نگاه های خشمگین یک مادر گویی از عمق روحش زبانه کشیده و در سپیده ای زندگی
گام بر میدارد دیگر خوشبختی و بد بختی برایش حرکات ناگهانی و غریزی بوده میتواند
مادر چراغی است که با نور ملایم و هاله های ملایم تر بالای سر اولاد هایش قرار دارد
یک مادر از تشنگی زیاد مهر و محبت ؛ وقتی یک جرقه در پیش چشمانش دلبندهش
را از او میگیرد عالم در نظرش نا بود میشود .

چی خجالت زده روزی که آسمان دامن اش خونین گشته ؛ بگمانم خورشید به انبوه
شهیدان پیوسته ؛ نه فضیلتی نه محبتی نه انسانیتی بجا مانده آدمکشان قرن بیست یک
در انتظار آند که وحشت افکنن و آتش افروزند تا که زنده گک ها پا به فرار نهند و باقی
ماندگان در دود و آتش به شکل یاد گاری بسوزند .

چی منحوس و بد بخت روزگاری که آخرین خط روشنایی از آسمان در حال محو شدن
است .

چی رقتبار دورانیست از هر دری که راه کشیدیم امید روشنایی از ما بریده شد .

مادر!
وقتی بدنیا چشم باز نمودم زیبا ترین تصویری که در زندگیم دیدم « تو بودی » .
مادر من ! حالا تو در قید حیات نیستی روح و روانت شاد باد !
مادر قاب عکس تو در پهلوی بسترم جا دارد که با دیدن تصویر ات بخواب میروم .
این قاب عکس شیشه ای زندگی منست .
تو ای مادر !
شیر زن مادر دیارانی
زرغونه و ملال و « انا ای » افغانی
چی عیب که از بلخ یا ز بامیانی
« آری »
چی عجب که از هراتی یا ز لغمانی
چادرت سیاه است و ضمیرت روشن
تو از آهن و پولاد ، شیر زن کوهسارانی

به ادای ادب و احترام

27 ، 4 ، 2016